



معکومان سرخ پوش

حکومت‌های استبدادی در گذشته، مانند امروز، برای سرکوبی مخالفان خود، دادگاههای پوشالی تشکیل میدادند و متهمان را از حق دفاع محروم میساختند. مثلاً در دوران انقلاب کبیر فرانسه موقعی که **رو بسپیر** رژیم معروف وحشت واضطراب را برقرار ساخت، قانون مشهور ۲۲ **پره ریال** سال دوم انقلاب (مطابق ۱۰ ژوئن ۱۹۷۴) به ابتکار او به تصویب مجلس نمایندگان رسید. بموجب این قانون بازجوئی از متهمان قبل از تشکیل جلسه علنی دادگاه ضرورتی نداشت و متهمان از حق انتخاب وکیل محروم گردیدند بودند و استماع شهادت گواهان به نظر دادگاه بستگی داشت. بعلاوه دادگاه باید متهم را یا باعدام محکوم و یا تبرئه کند و معمولاً دادگاه شق اول را انتخاب میکرد. محتملاً انگیزه تصویب این قانون ظالمانه دوقدره سوء قصد بود که یکی از آنها بوسیله شخصی بنام **هانری ادمیرال ۱** به **جان کولودر بوا ۲** و دیگری بوسیله زن جوانی بنام **سیسیل رنو ۳** به جان **رو بسپیر** صورت گرفته بود. در مقاله حاضر **هانری گوپر ۴** مورخ فرانسوی یکی از موارد اجرای این قانون را که از وحشتناکترین نمونه‌های فجایع انقلاب کبیر فرانسه بشمار میرود تشریح می‌کند.

آقای دکتر هادی خراسانی از ترجمانان چیره‌دست معاصر.

روز چهارم ماه پره‌ریال ۵ سال انقلاب (ماه مه ۱۷۹۴) مجلس کنوانسیون وحشت‌زده شده بود و تمام اعضای این مجلس بر جان خود بیمناک گردیده بودند، زیرا صبح آن روز توطئه‌گری بجان کولودربوا، یکی از نمایندگان ملت، سوء قصد کرده بود و بعد از ظهر همان روز دختر جوانی کوشید که بمنظور قتل روبسپیر به زور بمنزل او وارد گردد.

مجلس کنوانسیون از این دو حادثه سخت بو حشت افتاده بود و نمایندگان در نطق‌های آتشین خود ادعا میکردند که پیت^۶ نخست‌وزیر انگلستان ایادی خود را برای قتل تمام اعضای کنوانسیون بسیج کرده است. حال بینیم واقعیت امر چه بوده است.

موقعیکه ترس موجب بروز دیوانگی میگردد - کولودربوا نماینده مجلس کنوانسیون، در ساعت یک بعد از نصف شب بمنزل خود واقع در کوچه **فاواری**^۷ وارد گردید. مردی ناشناس که خود را در پلکان ساختمان مخفی ساخته بود و در دریا یک از دستهایش طپانچه‌ای داشت، از تاریکی بیرون آمد و بسوی نماینده ملت حمله کرد و فریاد زد: «بادبخت آخرین ساعت عمرت فرا رسیده است.»

آنگاه دو تیر بسوی کولودربوا شلیک کرد ولی تیرهایش بی‌خطا رفت. در اثر داد و فریاد کولودربوا گروهی از مأموران انتظامی به کمک او شتافتند و مهاجم را دستگیر کردند و به کمیته انقلابی ناحیه **لپاتیه**^۸ بردند و در آنجا خود را هائری ادمیرال کارمندساز، ان بلیط‌های بخت آزمائی معرفی و اعتراف کرد روز قبل در اطراف ساختمان مجلس کنوانسیون برای کشتن روبسپیر رفت و آمد داشته ولی به پیدا کردن او موفق نشده بوده است. موقعیکه سوء قصد کننده را به زندان **کونسیرژری**^۹ میبردند یکی از مستحفظان علت سوء قصد را از او پرسید. پاسخ داد: «اگر بخواهم واقعیت را بگویم، شما به شنیدن آن حاضر نخواهید گردید.»

در حقیقت او یکی از مزدوران **بارون دو باتز**^{۱۰} بود که رژیم جمهوری فرانسه را به وحشت انداخته بود باتز که توطئه‌گر دائمی لقب یافته بود و در تمام دسیسه‌هاییکه علیه رژیم صورت میگرفت شرکت می‌جست نیروهای پلیس را بستوه آورده بود. وی در ۲۱ ژانویه ۱۷۹۳ کوشیده بود **لویی شانزدهم** را فرار دهد. نیز با استفاده از منابع مالی سرشاری که در اختیار داشت به توطئه‌گران ضد انقلابی کمک می‌کرد و شخصاً تمام عملیاتی را که علیه رژیم جمهوری و با منظور رسوا کردن اعضای کنوانسیون صورت میگرفت، رهبری مینمود. در پاریس چندین خانه داشت و هر شب در یکی از آنها بسر میبرد و بدین ترتیب توانسته بود از دسترس پلیس دور بماند. ادمیرال فقط یکی از ایادی او بود ساعت ۹ بعد از ظهر همان روز، دختر جوانی موسوم به **سیسیل رنوبه** در منزل **دوبلی**^{۱۱} نجار، محل سکونت روبسپیر، رفت و تقاضا کرد با مرد مقتدر فرانسه ملاقات کند. یکی از اهالی منزل به او گفت روبسپیر در خانه نیست. سیسیل بطعنه پاسخ داد چون روبسپیر خدمتگزار ملت محسوب میشود باید همیشه

برای پذیرفتن مردمی کد بدیدنش می آیند آماده باشد. **دیدیه ۱۲** و **بولانژ ۱۳** دو تن از انقلابیون افراطی که در آن موقع از حیطه خانه عبور میکردند، این پاسخ را شنیدند و آن را غیر مؤدبانه تلقی کردند و دیدیه تصمیم گرفت دختر جوان را بیرون براند ولی وی بالحن اعتراض آمیزی گفت: «در رژیم سابق هر کس میخواست با شاه ملاقات کند فوری بحضور پذیرفته میشد.» دیدیه پرسید: «پس توطئه دار رژیم سلطنتی هستی؟» زن جوان پاسخ داد: «حاضر است برای اینکه فرانسه بار دیگر دارای شاه گردد خون خود را نثار کند. وی آنگاه بولانژ و دیدیه را سناک و بیرحم خواند. بلافاصله او را بازداشت کردند و به کمیته امنیت عمومی بردند. در آنجا او مطالب قبلی خود را تکرار کرد و گفت: «من طرفدار رژیم سلطنتی هستم و شاه را به نزاران ستم گر نظیر شما ترجیح میدهم.» در تفتیش بدنی که از او بعمل آمد دو چاقوی کوچک که یکی از آنها زنگ زده بود، کشف گردید. همین امر برای متهم ساختن او به سوء قصد بجان روبسپیر کافی تشخیص داده شد وی با خونسردی گفت: «علت رفتن من بجان روبسپیر این بود که میخواستم از نزدیک ببینم که يك آدم سفاک و بیرحم چگونه موجودی است؟» از زن جوان، درباره بسته کوچکی از لباس که با خود داشت پرسیدند. وی در پاسخ گفت: «این جامه ها را برای تعویض لباسهای خود در جایی که مرا خواهند برد همراه آورده ام.» یکی از اعضای کمیته امنیت عمومی پرسید: «خیال میکنی ترا کجا خواهند برد؟» سیسیل با خونسردی پاسخ داد: «البته به زندان و سپس بسوی گیوتین.» این پاسخ نشان میداد که متهم از ضرر دادرسی رژیم انقلابی اطلاع کامل داشته است. باید یادآور گردید که وی در هیچ گروه و یا دسته سیاسی عضویت نداشت و به ابتکار خود و بدون اطلاع خانواده اش در چند ملاقات با روبسپیر بوده است.

باری این سوء قصد که در يك روز بجان نمایندگان ملت صورت گرفته بود، وسیله تبلیغاتی مناسبی در اختیار نمایندگان مجلس کنوانسیون گذاشت - ولی چون دست یافتن به یارون یاتز معترك اصلی این توطئه ها مقدور نبود، لذا تصمیم گرفته شد متهمان دست دوم و حتی افرادی را که در این سوء قصد ها دخالتی نداشته اند تحت تعقیب قرار دهند و مجازات نمایند و برای نیل به این منظور به شیوه معروف «اختلاط متهمان» متوسل شوند.

اختلاط متهمان به چه نحو صورت میگرفت؟ ظاهراً اصطلاح «اختلاط متهمان» وسیله **امار ۱۴** یکی از اعضای مجلس کنوانسیون وضع گردیده بوده است این شیوه بسیار ساده بود. در فهرست متهمان اصلی يك توطئه نام افراد دیگری را می گنجانیدند که بعلى در زندانها بسر می بردند و در توطئه موضوع کیفرخواست هیچگونه دخالتی نداشتند، بدین ترتیب دادگاه میتواند تمام افراد را به اتهام جرمی واحد باعدام محکوم سازد. این شیوه به تسریع جریان دادرسی و به خالی کردن زندانها كم میکرد. در مورد دو سوء قصدی که در چهارده

بره‌ریال صورت گرفته بود، کمیته امنیت عمومی تصمیم گرفت که روش «اختلاط متهمان» را بکاربرد.

الی لاکوست ۱۵ که ماه‌مور رسیدگی به این پرونده گردیده بود، چون علیرغم کوشش‌های پلیس به بارون باتز متهم اصلی دست نیافته بود، تصمیم گرفت فشار خود را بر متهمان درجه دوم و حتی افراد بیگناه وارد آورد نخست ادمیرال را که مزدور باتز شناخته شده بود، در فهرست متهمان قرارداد و سپس چند تن دیگر را که با بارون توطئه گرا تباط داشتند جزء متهمان قلمداد کرد که از آن جمله میتوان افراد زیر را نام برد: ۱۶ **۱۹۹۵** منشی باتز که روز ۲۱ ژانویه ۱۷۹۳ موقعیکه لوئی شانزدهم را بسوی گیوتین می‌بردند، مردم را به شورش تحریک کرده بود - **گراند مزون** ۱۷ هنرپیشه سابق تئاتر و معشوقه بارون باتز - **تیسو** ۱۸ مستخدم گراند مزون، **نیکول بوشار** ۱۹ خیاطه جوانی که در استخدام هنرپیشه مذکور بود.

دو خواربار فروش بنامهای **کورتی** ۲۰ و **روس** ۲۱ که خواروبار مورد نیاز بارون باتز را به منزلش تحویل میدادند نیز بازداشت گردیدند. شخص دیگری موسوم به **میشونی** ۲۲ و زنی بنام **لامارتنی** ۲۳ که معشوقه ادمیرال بود به فهرست متهمان اضافه شدند. همچنین ژاندارمی بنام **نونستان** ۲۴ و حروفچینی موسوم به **پوتیه** ۲۵ مورد سوءظن قرار گرفتند. ولی متهم ساختن سیسیل رنو زن جوانی که بخانه رو بسپیر رفته بود خالی از اشکال نبود، معذالك لاکوست این زن جوان را به کوشش در راه بر انداختن مجلس نمایندگان و تحریک علیه انقلاب متهم ساخت و به این‌هم اکتفا نکرد و نام



تصویریکی از محکومان به اعدام

پدرسیسیل ویکی از برادران و نیز عمه پیر او را نیز در کیفرخواست ذکر کرد. شخصی بنام **لموان گرسی** ۲۶ که پس از شنیدن خبر سوء قصد علیه رو بسپیر خوشحال شده بود و مستخدمش که گفته بود: «چه خوب شد چنین اتفاقی افتاد.» مورد سوءظن قرار گرفته و نامشان جزء متهمان قلمداد گردید. **پنداوان** ۲۷ سرایدار ساختمان محل کار ادمیرال او را در روز قبل از

سوء قصد بجان کولودربوا درخیابان ملاقات کرده بود این ملاقات را گناهی بزرگ محسوب کردند و لذا سرایدار نامبرده را جزء متهمان شناختند. عجیب تر از همه، قرار دادن چندتن از مأموران سابق پلیس در جایگاه متهمان بود. بنامهای **اوزان ۲۸**، **بورلاندو ۲۹** و **ژاردن ۳۰** این سه تن به فهرست متهمان اضافه گردیدند چون حضور کشیشی در جایگاه متهمان نیز تأثیر مطلوبی می بخشید، لذا استغنی بنام **بریل ۳۱** را در نظر گرفتند. نشان دادن يك بانكدار در جایگاه متهمان مناسب بنظر میرسد؛ بنابراین شخصی بنام **ژوژ ۳۲** برای این منظور انتخاب گردید. بسیاری از این افراد بارون باتز را نمیشناختند. برای ابهت بخشیدن به این محاکمه، گنجانیدن نام عده ای از افراد مشهور و سرشناس فرانسوی در کیفرخواست مفید بنظر میرسد. تعداد این گونه شخصیت های معروف که در زندانها بسر می بردند کم نبود. لذا لاکوست چند نفر از آنان را از آن جمله **پرنس دوسن موریس ۳۳**، **پرنس دو روهان روشفور ۳۴**، **دوک دو مونمرانسی ۳۵**، **ویکنت دو پونس ۳۶**، **کنت دو مارسان ۳۷**، **کنت دو بوسانکسور ۳۸**، **کنت دو توپل ۳۹**، **مارکنی دو سومبری ۴۰** و پسرش **خانم اپرمسئیل ۴۱** و بالاخره **خانم سنت امارانت ۴۲** دخترش **امیلی ۴۳** پسرش **لویی** و دامادش **سارتین ۴۴** را در فهرست متهمان گنجانید. هیچیک از این افراد هرگز باتز را ندیده بودند. بالاخره برای تکمیل این فهرست نام افراد دیگری منجمله يك معلم موسیقی چند بازرگان و يك دانشجوی رشته جراحی به فهرست اضافه گردید بدین ترتیب تعداد متهمان به ۴۹ تن رسید. الی لاکوست پس از تکمیل تحقیقات خود، در مجلس کنوانسیون نظمی ایراد کرد و طی آن گفت: «نمایندگان ملت شما رژیم سلطنت را لغو کردید، اکنون موقع آن رسیده است که طرفداران آن را از بین ببرید. و جمهوری را از شر آنان نجات دهید.»

نمایندگان بیانات او را تأیید کردند و به اتفاق آراء مصوبه ای را برای مجازات متهمان به تصویب رسانیدند که بموجب آن، دادگاه انقلابی باید در ظرف چهار روز محاکمه ۴۹ متهم را آغاز کند.

دادرسی سریع - ساعت ده و ربع صبح روز ۲۹ پره ریال جلسه دادگاه تشکیل شد و کار خود را شروع کرد. مدافعات بیش از سه ربع ساعت بطول نیا نجامید که البته برای محاکمه ای به این اهمیت بسیار کوتاه و بی سابقه بود. در آخرین لحظات چهارتن از مأموران سابق پلیس به نامهای **دانه ۴۵**، **فروادور ۴۶**، **مارینو ۴۷** و **سولسن ۴۸** بعنوان شریک جرم، به فهرست متهمان افزوده شدند و بالاخره شخص پنجمی، بنحو غیر مترقبه ای، بگروه متهمان ملحق شد. جریان قضیه از این قرار بود. **دوما ۴۹** رئیس دادگاه، قبل از تشکیل جلسه دادرسی، در دفتر کار خود نشستته بود؛ در این موقع نامه ای به امضای **کنت دوروسای فلوری ۵۰** باو داده شد او نامه را گشود و بخواندن آن مشغول گردید. در نامه مذکور خطاب به دوما چنین نوشته شده بود:

جرات داشته باشید و برای نابودی بقیه افراد بیگناهی که در دست شما اسیر هستند، همیشه‌های جدیدی بچینید. آیا تمام دوستان و آشناسان نزدیک من از قبیل پرنس دوروهان- بوسانکور- بارسان - دوتویل - لکویس^{۵۱} توطئه‌گرند؟ اگر بعثیده شما چنین است نام مرا نیز به آنان اضافه کنید. من با آنان همیشه هم عقیده بوده‌ام و همان‌را می‌راکه آنان انتخاب کرده بودند، پیموده‌ام - بنابراین باید بسر نوشتن آنان بچار شوم. شما آدم ترسوئی هستید و هنگامیکه مردان شجاعی که از هیچ چیز باک ندارند شما را بعلت جنایاتی که از طریق صدور آراء ظالمانه مبتنی بر کینه و انتقام، مرتکب شده‌اید علناً سرزنش میکنند، از ترس به خود می‌لرزید. آری بخود بلرزید زیرا روزیکه باید به کیفر تمام گناهان خود برسید بزودی فرا خواهید رسید. «امضاء کنت دوفلوری زندانی محبس لوگزامبورگ» موقعیکه در ما از خواندن نامه فارغ شد، **فوکیه تین ویل**^{۵۲} دادستان باطاق وارد شد. دو ما نامه را به دادستان داد و گفت: «این نامه را بخوانید. ظاهر آن نویسنده آن برای نابودی خود عجله دارد.»

مانده دارد

Cecile Renault	Collet d' Herbois	Admiral
Henri Gaubert	Prairial	ماه نهم تقویم انقلاب کبیر فرانسه
William Pitt	مرد سیاسی انگلستان که دوباره نخست‌وزیری آن کشور رسید.	
Favart	Lepeletier	Conciergerie
Baron de Batz	Duplay	Didier
Boulangier	Amar	Elie Lacoste
De Vaux	Grand Maison	
Tissot	Nicole Bnuchard	Cortey
Roussel	Michonis	Lamartiniere
Constant	Pottier	Lemoine-Crecy
Paindavoine	Ozanne	Burlan Deux
Jardin	Breil	Jauge
Prince de Sain-Mauris	Rohan Rochefort	
Moutmorency	Vicocomte De pons	
Comte de Marsan	Comte de Bausancourt	
Comte D' Hauteville	Marquis de Sombreuil	
Eremesnil	Sainte Amaranthe	
Emilie	Sartines	Dange
Froidure	Marino	Soules
Domas	Comte de Rossay-Fleury	
Lecuyer	Fouquier-Tinville	